



بهترین دوست من

نوشته: انوپا لال تصویرگر: سو دیوا میستری

مترجم: مصیب شیرانی



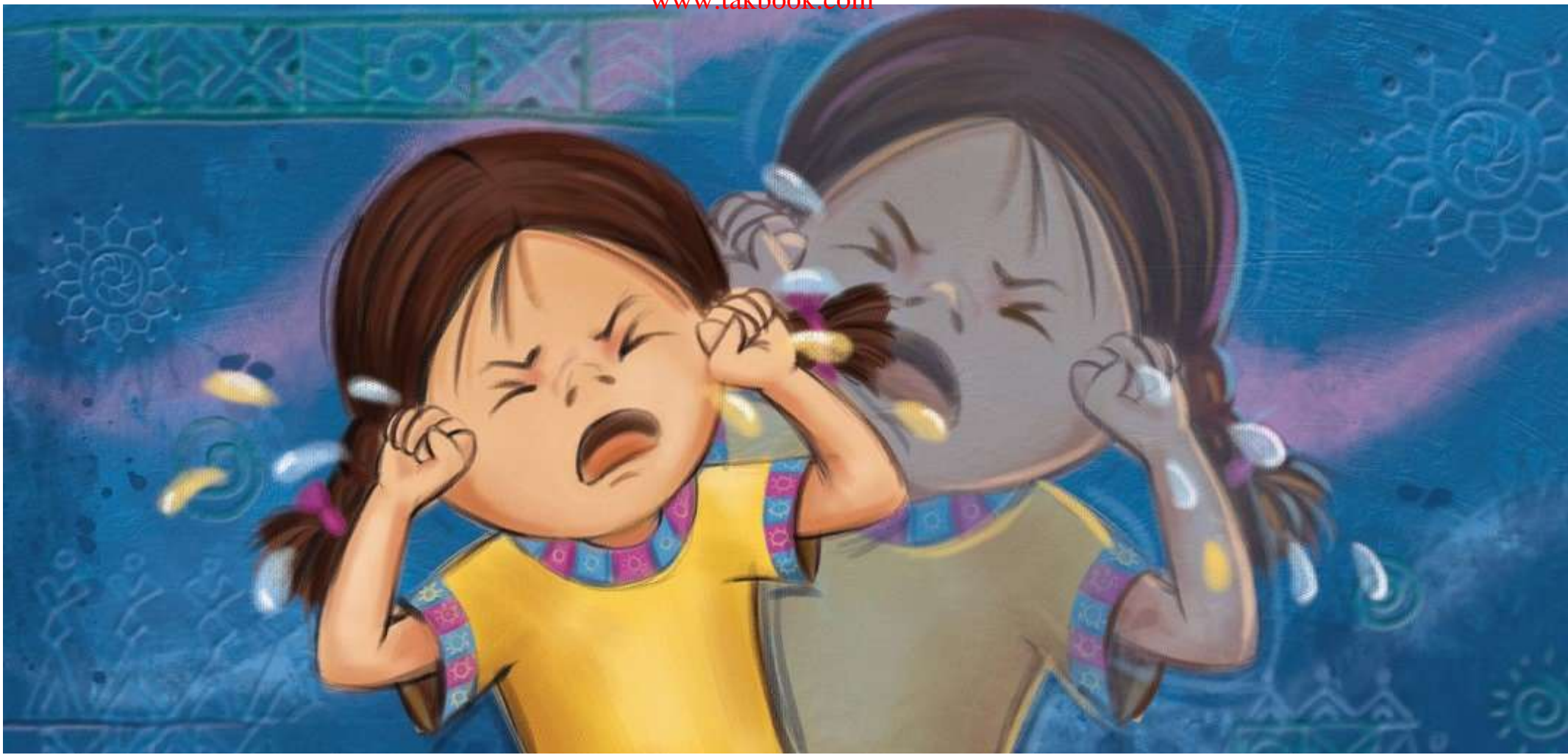
I have a friend. She lives in my house.

من یک دوست دارم، دوست من با من در اتاق من زندگی می کند



When I am happy, so is she.

وقتی من خوشالم او هم خوشمال است!



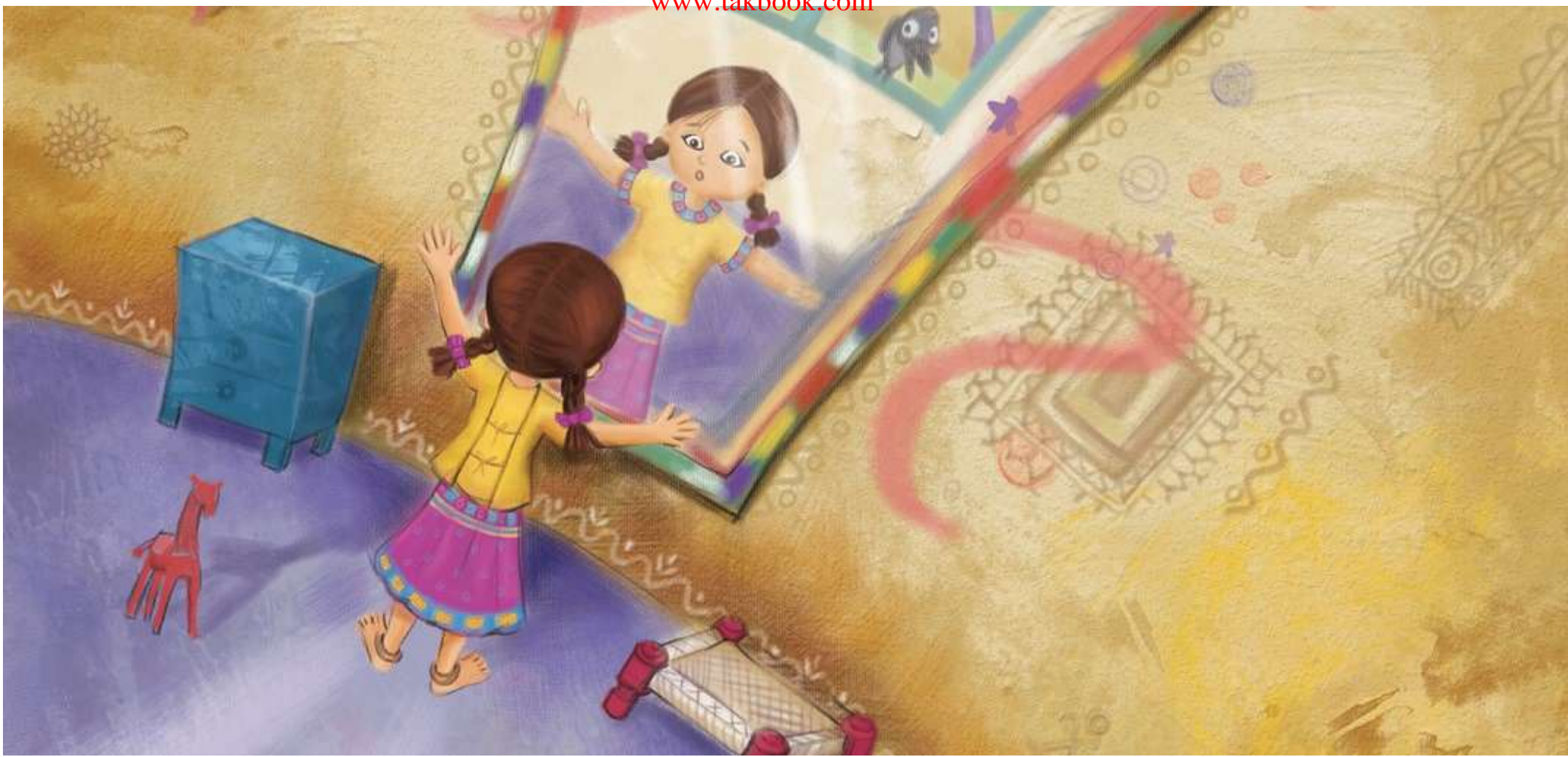
When I cry, she cries too.

وقتی من گریه می کنم او هم گریه می کند.



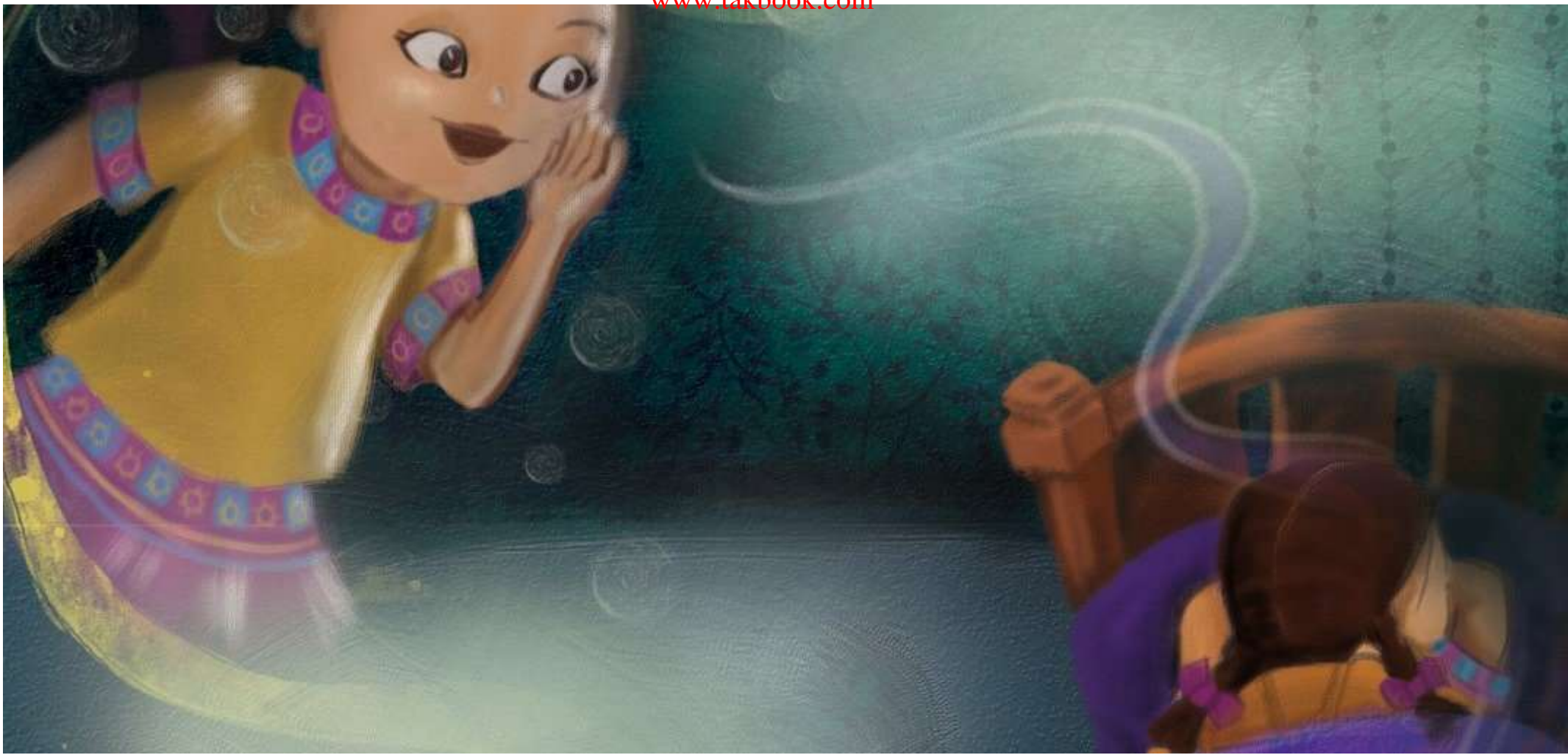
But I cannot hear her voice. My friend lives inside the mirror.

اما وقتی گوش می کنم صدایش را نمی شنوم. دوست من در آینه زندگی می کند



. "Come out," I tell her, "we will play." She does not come out.

اومی گویم بیا بیرون بیا باهم بازی کنیم. اما او بیرون نمی آید



I am not happy. I go to sleep.

من خوشحال نیستم! می، رو۴ بفوایم



She comes out of the mirror in my sleep! And we have fun.

او در خواب از آینه بیرون می آید و ما می خندیم





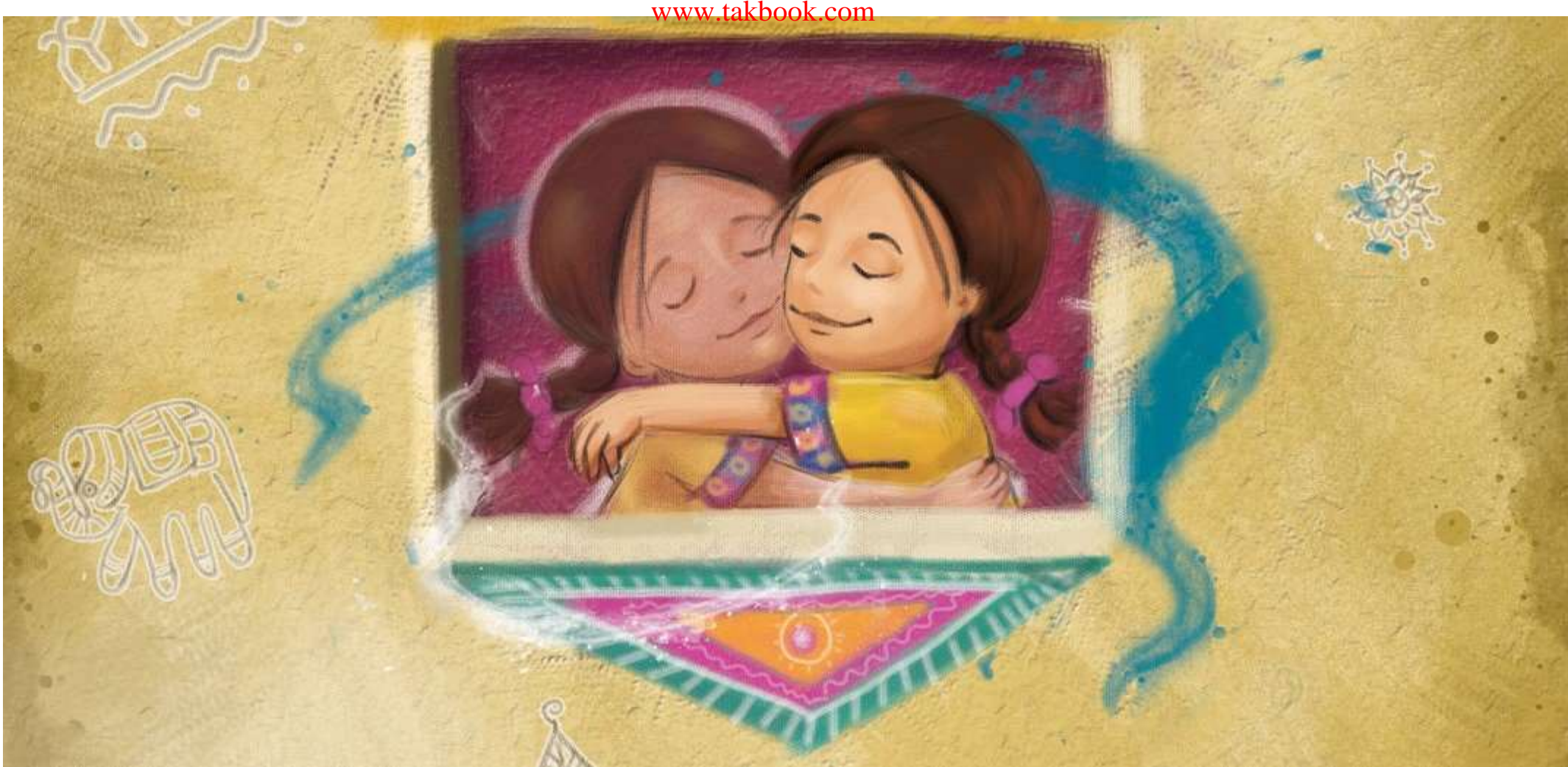
We play, we run, we shout and scream together

ما باهم بازی می کنیم، ما با هم پیغ و فریاد می کشیم



When I talk to her, she also talks to me.

وقتی من با او صحبت می کنم ، او هم با من حرف می زند.



In the morning, my friend will go back into the mirror.

صبح دوست من به آینه برمی گردد.



But I don't mind at all. We will play again in my dreams!

اما همه چیز را به خاطر ندارم، ما دوباره در رویایم با هم بازی می کنیم